

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س. رها

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۳

بلی، انقلابی که به آن خیانت شد!

(۵)

چه کسی خیانت کرده است؟

تروتسکی بی شرمانه در اثر خیانت آمیز خود (انقلابی که به آن خیانت شد) از اول تا آخر روی یک جمله مکث می کند: «ستالین به انقلاب خیانت کرده است» و از همین دریچه او حاضر است که ستالین را تا آخر برسر یک پا ایستاد کند تا به زعم خودش خیانت وارده برانقلاب را پاکسازی کند ولی به این نمی اندیشد که مردم از روی اعمال ستالین، او را مورد قضاوت قرار خواهد داد، اعمالی که بعد از فوت لنین، ادامه کارش به دوش ستالین گذاشته شد و او مدیرانه و شجاعانه از این میراث همچون مردمک چشم خود حراست کرد و جامعه شوروی را به سوی سوسیالیسم رهنمون شد و تا آخرین روزهای زندگی خود از همین میهن سوسیالیستی خود دفاع نمود.

آیا این کار ستالین خشم تروتسکی را برانگیخته است تا سرحدی که ستالین را یک خیانت کار بنامد که اوچرا از این میهن سوسیالیستی، که خود معمارش بود، درمقابل بیست کشور امپریالیستی و متجاوز به دفاع برخاست؟ آیا این کار ستالین خیانت محسوب می شود که اوچرا شوروی را که با "سیلاوه" تحویل گرفته بود با بمب اتم تحویل داد؟ آیا این کار ستالین خیانت شمرده می شود که اوچرا فاشیسم هتلری را که در حال بلعیدن تمام خلق ها بود، به دهنش کوبیده و شکست داد؟ جنگ جهانی دوم با این مشخصه تعریف می شود:

حفظ مستعمرات (که اتحاد شوروی هیچ مستعمره ای نداشت و تنها کشورهای امپریالیستی دارای مستعمره می باشند)، تقسیم مجدد جهان به خاطر به دست آوردنی مستعمرات جدید (که اتحاد شوروی این هدف را نداشت و تنها کشورهای امپریالیستی با چنین هدفی داخل جنگ می شوند) و دفاع از میهن سوسیالیستی (که هیچ کشوری سوسیالیستی نبود به جز اتحاد شوروی و رهبرش هم ستالین بود)، ستالین و کشورش راها همچون دژ تسخیر ناپذیر در برابر امپریالیستان ها، راسخانه به پیش رفت و حاضر نشد با هیچ خائنی سر سازش داشته باشد و میهنی که بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی، ضرورت داشت تا سوسیالیسم به طور همه جانبه در آن پایه ریزی شود ویرای اولین بار در جهان مناسبات سوسیالیستی را حاکم بسازد و مارکسیسم-لنینیسم را توسعه بخشد- که همه آنها توسط ستالین بزرگ به انجام رسید- از آرمان «انترناسیونال سوم» محافظت شود، از جنبش های انقلابی در دیگر کشور ها پشتیبانی صورت گیرد و... آیا به راستی این اعمال خائنه است یا: پشت کردن به کشورش راها و سوسیالیسم، تبلیغ برای بدنام کردن سوسیالیسم و به هیچ گرفتن

زحمات نیم قرنۀ انقلابیون در آن کشور، ماجراجویی و توطئه پراگنی و به اصطلاح پایه ریزی «انترناسیونال چهارم»...؟

پیروزی انقلاب سوسیالیستی در شوروی، واقعیتی بود، عینی. آیا ستالینی که تاپای جان از این سوسیالیسم دفاع کرد، خائن است یا، تروتسکی که این واقعیت عینی را انکار کرد؟

لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم است. آیا ستالینی که تا آخرین لحظه از این میراث دفاع کرد و آرمان لنین را متحقق ساخت، خائن است یا، تروتسکی که بی شرمانه لنین را حذف کرده و به جایی آن خود را رهبر انقلاب نامید؟
نهادینه شدن سوسیالیسم واقعی در شوروی در طی بیش از سه و نیم دهه که وضعیت شوروی حاکی از این سوسیالیسم بود و تاریخ تاکنون نظیرش را نداشت، بیشترین کارهایش توسط ستالین انجام یافت، واقعیتی است عینی و قطعی. آیا ستالین، معمار همین سوسیالیسم خیانت کار است یا، تروتسکی که این سوسیالیسم را، فاشیسم خواند و معمارش را دیکتاتور مستبد؟

گسترش مارکسیسم-لنینیسم توسط ستالین، حقیقتی است انکار ناپذیر. آیا همین ستالینی که به طور واقعی مارکسیسم-لنینیسم را به کار بست و آن را توسعه داد، خیانت کار است یا، تروتسکی که مارکسیسم-لنینیسم را به تیغ فحش و تیر کین می بست و راه را برای بورژوازی و خیانت باز کرد؟

رهانیدن خلق های اتحاد شوروی از زیر استبداد و شکنجه تزار که سرزمین قبلی شوروی را زندان ملل ساخته بود و به ارمان آوردن آزادی واقعی برای خلق های اتحاد شوروی، که لنین و ستالین کبیر این کار را کردند، خیانت است یا دوباره به دربند کشیدن خلق شوروی که تروتسکی آن را می خواست؟

«بین الملل سوم» که توسط لنین و رفیق همیشگی اش، ستالین، برگزار شد تا هم رهبران رویزیونیست «بین الملل» دوم را افشاء کند و هم جنبش های کمونیستی سراسر جهان را دور یک پرچم واحدی کمونیستی گرد آورده و اتحاد طبقه جهانی کارگر را به وجود آورد، آیا ستالینی که خود یکی از بنیان گذاران این بین الملل بود و تا آخرین دقایق حیاتش به آن وفادار ماند و روی همان اصول پیش رفت، خیانت کار است یا، تروتسکی که "دن کیشوت" مآبانه تمام دست آورد های بین الملل سوم را به دار انتقاد رویزیونیستی خود آویخت و دوباره خودش، کین توزانه جمعی از خائنین را گرد هم آورده و وزیر بیرق خاکئی رویزیونیستی، به اصطلاح «بین الملل چهارم» را پایه گذاری کرد تا به زعم خودش، هم تمام آثار و دستاوردهای لنین و ستالین و بین الملل سوم را به باد فنا بدهد و هم بیرق خیانت و رویزیونیستی بین الملل دوم را که توسط لنین و ستالین به زیر انداخته شده بود، دوباره به اهتزاز در آورده و ندا سر دهد:

روزیونیزم بر کمونیزم پیروز شد؟